

امتناع یا الزام

تعطیلی حدود در عصر غیبت یا حکومت سکولار دینی؟ اجرای حدود



محمدصابر صادقی

دبیر پرونده | پژوهشگر فقه سیاسی

تعیین نمایند. این نقد بسیار عجیب است و به وضوح ناشی از یک قیاس بی جا و همچنین بی توجهی به ادله ولایت فقیه است. عجیب است که ناقد محترم فقیه عادل را با عدول مؤمنین (که در برخی موارد وظیفه اقامه امور حسبه را بر عهده می گیرند) یکسان پنداشته و حکم واحد بر آن ها جاری دانسته است. روشن است که دو ویژگی فقهت، علم (به حکم شرعی یا حجت بر حکم شرعی) و عدالت (عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره) مایز مهمی است میان فقیه عادل و دیگر مؤمنین، اعم از عادل و فاسق. به نظرمی رسد مشکل اصلی طرفداران تعطیلی حدود در عصر غیبت را در عدم درک درست از مفهوم حکومت و ناتوانی آن ها از فهم ارتباط آن با شریعت الهی تلقی کرد. پذیرش رویکرد آن ها عملاً منجر به تعطیلی همه احکام شرعی در عصر غیبت است و نمی توانند آن را محدود به حدود نمایند، زیرا مثلاً تصرف در اموال خصوصی نیز نیازمند ولایت است و هم مفاسد است که بر اجرای حدود در عصر غیبت قابل تصور است بر تصرف بر اموال مردم نیز قابل تصرف است، بلکه گاهی تصرف در اموال مردم گاه تأثیری سهمگین تر از عقاب بدنی و جانی دارد و ادنی توجهی به نتایج سلب مالکیت از یک فرد مؤید این نکته است. ایشان در ادامه مقاله و پس از تأیید تلویحی نظریه تعطیلی حدود در عصر غیبت، اجرای تعزیر را مجاز می دانند، در حالی که تعزیر نیز یا جانی و بدنی است (مانند شلاق) یا مالی است (مانند جریمه مالی) یا سلب آزادی است (حبس و زندان). روشن است که گاه تأثیر یک روز بلکه یک ساعت سلب آزادی از صد ضربه شلاق - اگر بیشتر نباشد - کمتر نیست. و باید

طرفداران اجرای حدود در عصر غیبت به هدف از تشریح حدود، یعنی «صلحت عامه و جلوگیری از فساد و نشر فجور و سرکشی افراد»^۲ و همچنین اطلاق ادله حدود استناد کرده اند. به اعتقاد آن ها، به موجب ادله حدود، حدود باید اقامه شود؛ اما این ادله بر اینکه حد توسط چه کسی باید اقامه شود دلالتی ندارند. بدیهی است که همه افراد مسلمان مخاطب این خطابات نیستند و نمی توانند مبادرت به اقامه حدود نمایند، چرا که موجب اختلال نظام است و سنگ روی سنگ نخواهد ماند. مضافاً آنکه از برخی روایات نیز منع جواز اقامه توسط افراد عادی مستفاد می شود. بنابراین، باید به قدر متیقن از روایات اخذ نمود و قدر متیقن «من الیه الامر» یعنی حاکم شرعی است.^۳ در نقد این دو دلیل از مرحوم خوانساری این نقد را نقل می کنند که مقتضای این لازمه این دو دلیل آن است که اقامه حدود شرعیه در تمام ازمه مطلقاً واجب باشد، بدون آنکه به نصب معصوم (ع) نیازی وجود داشته باشد.^۴ به اعتقاد ایشان، لازمه این سخن آن است که حتی در صورتی که فقیه عادل برای اجرای حدود وجود نداشته باشد یا میسوط البید نباشد، عدول مؤمنین، بلکه در صورت عدم وجود عدول مؤمنین، هر فاسق و فاجری از مؤمنین، امکان اجرای حدود را داشته باشد؛^۵ و از آنجا که طرفداران اجرای حدود در عصر غیبت این لازمه را پذیرا نیستند، پس کل نظریه، یعنی اجرای حدود در عصر غیبت توسط فقیه عادل، صحیح نیست و اجرای حدود صرفاً متوقف بر وجود امام معصوم و اجرا توسط شخص ایشان یا کسی است که ایشان

برخی از فقهای معاصر اجرای حدود در عصر غیبت را مجاز نمی دانند و معتقدند در عصر غیبت، به جای اجرای حدود، صرفاً تعزیر، آن هم متناسب با مقتضیات زمان و مکان، مجاز است. عمده استدلال طرفداران نظریه تعطیلی حدود در عصر غیبت عدم صحت ادله طرفداران نظریه جواز اجرای حدود در عصر غیبت و عدم کفایت آن ادله برای اثبات مطلوب صاحبان آن نظریه است. البته مؤیداتی نیز برای عدم امکان اجرای حدود آورده اند، از جمله یکپارچه بودن احکام اسلامی و تأثیر جنبه های مختلف لحاظ شده در شریعت برای تربیت انسان و متخلق نمودن او به اخلاق حسنه و تعالی و رفقای بشریت. از جمله طرفداران نظریه تعطیلی حدود جناب آقای دکتر محقق داماد است. ایشان در مقاله^۶ مستقلی که در کتاب قواعد فقه، بخش جزایی به طبع رسیده است به تفصیل نظر طرفداران نظریه اجرای حدود در عصر غیبت را بیان می کند و پس از بیان برخی نقدهای مخالفین این نظریه می نویسد: «نگارنده نمی خواهد که میان این دو نظریه متقابل داور کند و نظراً اجتهادی خود را بیان نماید، بلکه صرفاً به ذکر برآیند بحث و چند نکته قابل توجه در جنب آن بسنده می کند». او نتوانسته است در ادامه بی طرفی موعود را حفظ کند و به روشنی در خصوص این مسئله قضاوت نموده است و نظریه مخالفین اجرای حدود را تأیید کرده است. ولی نه نقض های مخالفین اجرای حدود در عصر غیبت بر نظریه اجرای حدود در عصر غیبت وارد به نظر می رسد و نه مؤیدات اسناد محترم این نظریه را به واقع تأیید کرده است.